

- کفارات
- روزهای
- امتناف روزه داران
- احکام
- و یخلق بدلائک الاعتکاف

کتاب الصوم

تعريف
واجبات
مكروهات
اثبات اول ماه

فصا و كفاره
فَكَفَّرَ وَ يَكْفُرُ
اَوْ تَمَدَّ الْإِسْحَالَ
اگر مكلف كف نکند
الْكَفَّارَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ النَّذْرُ الْمُنْعِنُ وَ الْمَهْدُ
وَ اَوْ الْفَطْرُ عَلَى مَحْرَمٍ مَطْلَقًا
عَادَ بَدَأَ اتِّبَاعَهُ
اَوْ اخْتَلَفَ بِالْمَتَاعِ
اَوْ ارْتَسَنَ مَتَعِدًا
اَوْ تَنَاوَلَ مِنْ ذَوْنِ تَرَاعَاءٍ مَشْكُونَةٍ فَاصْفًا
وَ يَكْفُرُ اَوْ
اَوْ اَخِيرُ
اَوْ يَتَقَابَلُ شَتَائِلُ
اَوْ نَظَرَ اِلَى امْرَأَةٍ اَوْ عَطَامٍ فَانْتَهَى
وَ تَقْسِيمُهُ كُلُّ تَارِكٍ لَمْ يَمُدَّ اَوْ سَهْوًا اَوْ لَمْدًا

افراد محکوم به وجوب قضاء
بِأَيِّ
وَالْمُنْسَى عَلَيْهِ
فِي الْاَصْح
وَالْكَافِرُ الْعَائِلُ
نكته
مكلف شب جنب شد و غسل را فراموش کرد و یک یا چند روز روزه می گیرد حکم

فقط قضا
مَنْ نَسِيَ غَسَلَ الْجَنَابَةِ
شهادت نانی: در مورد نماز
بین فقها اختلافی نیست
اما در مورد قضا روزه ها
فقها دو دسته شدند

ما بین و بین الزوال
از زمانی که آن شخص در آن هست تا زوال
نیت بکنند که ممکن است بعد از فجر تا قبل زوال باشد، تا
چند لحظه قبل از زوال
با توجه به اینکه تا قبل زوال وقت نیت کردن دارد یک
حالتی که ذیل همین است این است که از لحظه ای که
نیت بکنند که ممکن است بعد از فجر تا قبل زوال باشد، تا
چند لحظه قبل از زوال

اگر در سعه بود
اگر بعد از زوال یا لحظه زوال بشکند
کار حرامی انجام داده است
ده تا مسکین را هر مسکین
یک مد طعام بکند
اگر هم دعوت بکند سر سفره به
میوان سپردن فقیر باید بدهد
اگر نمی تواند طعام بدهد سه روز روزه بگیرد
از لحظه شکستن هم دیگر نمی تواند مفطری انجام بدهد و
اگر مفطری انجام بدهد تکرار کفاره می شود
در قضا غیر ماه رمضان مثل فضای نذر معین نباید بشکند
ولی اگر شکانه گناهی بر او نیست و می تواند بعدا بگیرد
همه واجب های غیر معین مثل نذر
مطلق و کفاره هم اینچنین هستند

کفارات
سعه و
ضیق وقت
در گرفتن
روزه قضا

ضیق وقت یعنی تا روزهای که
باید قضا کند باقی باشد یا ظن و فوات برایش حاصل شود
اگر در ضیق باشد
در این حالت مطلقا نمی تواند روزه را بشکند و
اگر روزه را بشکند گناه کرده ولی کفاره ندارد
برای اینکه بفهمیم که کاری حرام هست یا نه
باید به دلیل داریم اینجا هم آیه ۳۳ سوره
محمد اعمال خود را باطل نکنید

شهادت اول
کفاره بواسطه انجام
مورد تکرار عمدتاً
مورد تکرار عمدتاً

تکرار الوطأ
موجب آن نزدیکی نمودن در ماه مبارک رمضان بطور مکرر باشد
ولو در یک روز
ولو زمان های
تکرار ورود آلت مردم
متصل به هم
بعد از هر بار خروج از
فروج زن است

تکرار عظرات
موجبات کفاره با هم فری داشته و از نظر جنسی منظر باشند
مثلاً یک بار طعام خورده و یک بار نزدیکی نموده است
در صورت پرداخت کفاره در
فاصله انجام دو منظر همچنی
در صورت انظار منظر در 2 روزهای مختلف

تکرار الوطأ
موجب آن نزدیکی نمودن در ماه مبارک رمضان بطور مکرر باشد
ولو در یک روز
ولو زمان های
تکرار ورود آلت مردم
متصل به هم
بعد از هر بار خروج از
فروج زن است

تکرار عظرات
موجبات کفاره با هم فری داشته و از نظر جنسی منظر باشند
مثلاً یک بار طعام خورده و یک بار نزدیکی نموده است
در صورت پرداخت کفاره در
فاصله انجام دو منظر همچنی
در صورت انظار منظر در 2 روزهای مختلف

تکرار الوطأ
موجب آن نزدیکی نمودن در ماه مبارک رمضان بطور مکرر باشد
ولو در یک روز
ولو زمان های
تکرار ورود آلت مردم
متصل به هم
بعد از هر بار خروج از
فروج زن است

تکرار عظرات
موجبات کفاره با هم فری داشته و از نظر جنسی منظر باشند
مثلاً یک بار طعام خورده و یک بار نزدیکی نموده است
در صورت پرداخت کفاره در
فاصله انجام دو منظر همچنی
در صورت انظار منظر در 2 روزهای مختلف

تعریف و شرایط

کفارات

حرمت روزه

صَوْمُ الْعِيدَيْنِ

روزه عید فطر

روزه عید قربان

چه مکلف در منی بوده و چه در غیر آن باشد

سه روز بعد از عید قربان میباشد

سه روز بعد از عید قربان

شهادت اول و ثانی

بَلَمَنْ كَانَ يَمِينِي

برای کسی که در منی باشد چه ناسک باشد و چه نباشد

علامه: وَ قَبْدَهُ بَعْضُ الْأَصْحَابِ بِالنَّاسِكِ

کسی که در منا هست، باید حتما ناسک باشد تا روزه اشکال داشته باشد

البته برخی مثل مصنف در دروس گفتند که چه در منا باشی و چه نباشی روزه حرام است

برای کسی که در منا نیست روزه ایام تشریح اشکال ندارد

و آیام التشریح

در حج تمتع اعمال منی واجب است

از اعمال منی قربانی کردن است که به آن هدی می گویند که قربانی واجب است؛ باید در روز عید قربان انجام شود در روز عید قربان، قربانی دیگری انجام دادن هم مستحب است که به آن اضحیه می گویند و زمان آن در منی از عید تا سه روز بعد در غیر منا از روز عید تا دو روز بعد

اثبات این حرف

مراد کسانی که روزه ایام تشریح را مطلقا حرام می دانند مراد کسانی است که قید زدند؛ یعنی هر چند مطلق گفتند ولی منظورشان مقید است

در روز عید تکبیراتی بعد از بعضی نمازها واجب است

اگر کسی در منی بود در ۱۵ نماز این اذکار را بگوید؛ از نماز ظهر عید تا نماز صبح روز سیزدهم

در غیر منا بعد از ۱۰ نماز گفتن تسبیحات مستحب است؛ از ظهر عید تا نماز صبح روز دوازدهم

از اینکه گفتند ایام می فهمیم که منظورشان حداقل سه روز است؛ و ایام تشریح فقط در منی سه روز است و در غیر منی دو روز است

چطور یوم الشک می شود؟

مردم دارند در مورد رویت و عدم رویت هلال حرف می زنند و اختلاف هست

شهادت داده شده به رویت هلال؛ که به شهادشان اعتماد نیست

اگر روزه مستحبی یا روزه واجب غیر ماه رمضان بگیریم اگر بعد معلوم شود که ماه رمضان بوده است حساب می شود

اهل سنت می گویند در صورتی مستحب درست است که روزهای قبل از شعبان هم روزه مستحبی گرفته باشد ولی در نزد ما این شرط نیست

روزه یوم الشک بیئت وجوب

و صَوْمُ يَوْمِ الشُّكِّ بَيْنَهُمَا الْقَرْنَى

روزی است مردد بین آخر شعبان و اول رمضان

هر واجب معین دیگری در حالت عدم علم؛ اگر به نیت مستحبی انجام بشود چه بعد علم حاصل شود چه نشود عبادت مستحبی به جای واجب معین حساب می شود؛ مگر در جایی که دلیل خاص داریم مثل نماز واجب

بلکه روز سه ام هر ماهی به نیت روزه روز اول ماه که مستحب است

اگر به صورت تردیدی نیت بکنند؛ به صورت قضیه شرطیه که اگر ماه رمضان بود رمضان و اگر غیر آن بود مستحب

شهاد اول و ثانی

قول اول مجزی است

حرام ۱۳

و لَوْ صَامَهُ بِنَيْتِهِ الْفُتْلُ أَجْزَاءُ إِنْ ظَهَرَ كَوْنُهُ مِنْ رَمَضَانَ

اگر یوم الشک را به نیت مستحب روزه بگیرند و بعدا معلوم شود رمضان بوده روزه ای که گرفته اند مجزی بوده و روزه ماه مبارک محسوب می شود

و اگر صائم در نیت خود تردید بیاندازد یعنی این طور نیت کند

اگر روزه اول ماه رمضان است آن را به قصد وجوب می گیریم

و در غیر این صورت (روز آخر شعبان باشد) آن را به نیت مستحب انجام می دهیم

و لَوْ رَدَّدَ

حکم: فَقَوْلَانِ أَقْرَبُهُمَا الْإِجْرَاءُ

اقترب القولین از نظر ما این است که روزه صحیح بوده و از واقع مجزی می باشد

نَذْرُ الْمُعْصِيَةِ وَ صَوْمُهُ

روزه نذر معصیت

نذر معصیت حرام بوده و روزه ای هم که شخص بواسطه این نذر بر خود واجب کرده حرام می باشد

و الصَّمْتُ

روزه سکوت

مقصود آن است که شخص نیت کند روزه را در حال سکوت می گیرم

ولی بدون شرط کردن سکوت در نیت از صبح تا غروب حرف نزنند اشکال ندارد

و الوضال

روزه وصال

به دو نحو واقع میشود

الف: آنکه نیت کند دو روز یا بیشتر روزه بگیرد بطوری که بین آنها افطار واقع نشود

ب: آنکه نیت کند از اول طلوع فجر تا ساعتی بعد از غروب صائم باشد

یا اینکه نیت بکند که روزه اش را تا سحر ادامه بدهد و افطاری و سحری اش را در یک وعده بخورد

و صَوْمُ الْوَجَائِبِ سَفَرًا سِوَى مَا مَرَّ

روزه واجب را در سفر بگیرند

سفری که موجب شکسته شدن نماز میشود

کسی که نذر کرده

مگر آنچه قبلا استثناء شد

کفاره صید در حج

سه روز روزه بدل

مقید کردن به واجب یعنی اینکه روزه مستحب را می تواند در سفر بگیرد

البته برخی گفتند که مندوب هم حرام است زیرا که روایت مطلق است البته سه روز روزه مستحب در مدینه در ایام حج به نیت بر آورده شدن حاجت را استثناء کردند

روزهای

مستحب
مکروه

اصناف روزه داران

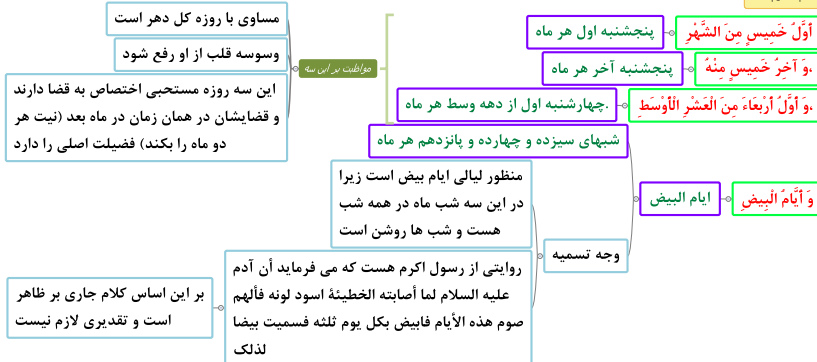
احکام

و يُلْحَقُ بِذَلِكَ الْإِعْتِكَافُ

بسم الله الرحمن الرحيم - المستعان بك يا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

- تعریف و شرایط
- کفارات
- حرام

ایامی که روزه در آنها مستحب می باشد



مساوی با روزه کل دهر است
وسوسه قلب از او رفع شود
این سه روزه مستحبی اختصاص به قضا دارند و قضایشان در همان زمان در ماه بعد (نیت هر دو ماه را بکند) فضیلت اصلی را دارد

بر این اساس کلام جاری بر ظاهر است و تقدیری لازم نیست

- و مولد النبی علیه السلام - روز مولود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - یعنی هفدهم ربیع الاول
- و میعته - روز میعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - یعنی بیست و هفتم ماه رجب
- و یوم القدر - یعنی هیجدهم ماه ذی الحجة الحرام
- و الدحو - روز دحو الارض - یعنی روزی که زمین از زیر مکه معظمه کشیده شده است و آن مصادف با روز ۲۵ ذیقعده می باشد

روز عرفه - یعنی روز نهم ذی الحجة الحرام
و عرفه لمن لا یضعفه عن الدعاء مع تحقق الهلال
یکی اینکه باعث ضعف او نشود که نتواند دعا بخواند
البته اگر قصد داشته باشد دعا بخواند هم کمیتا و هم کیفیتا یعنی اگر نخواست دعا بخواند یا همه دعا را نخواست بخواند به حدی که به ضعف بیفتد مستحب است روزه بگیرد
استفاده می شود که دعا در این روز از روزه افضل است

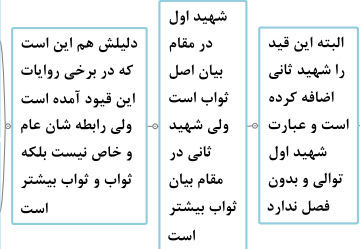
به دو شرط
یکی هم اینکه هلال ماه ذی الحجة را رؤیت کرده باشد و اگر از اول ماه رؤیتش مشکوک بود برای اینکه روزه اش در عید قربان نیفتد روزه بگیرد

روزهای

- مستحب - ۱۰ - یستحب من الصوم
- و المباهلة - یعنی بیست و چهارم ماه ذی الحجة الحرام
- و الخمیس - پنجشنبه هر هفته
- و الجمعة - جمعه هر هفته

و سنة ایام بعد عید الفطر - شش روز بعد از عید فطر بدون فاصله

این به خاطر تخفیف است زیرا انسان در ماه رمضان عادت به روزه پیدا کردیم و با راحتی بیشتر این همه فضیلت کسب بکنیم
یا به خاطر برگشتن به عبادت به خاطر رغبتی که در ماه رمضان حاصل شده است



ثواب مواظبت بر این روزه
اگر این ۶ روز را با ماه رمضان روزه بگیرد مساوی یک سال است
در اخبار هست که صدقه ده برابر می شود؛ ماه رمضان می شود ده ماه این روز مساوی دو ماه است؛ و می شود ۶ یک سال
اگر هر سال مواظبت داشته باشد مساوی است با اینکه کل عمرش را روزه گرفته باشد

- و اول ذی الحجة - اول ذی الحجة
- و رجب کله - تمام ماه رجب
- و شعبان کله - تمام ماه شعبان

- مکروه - روز عاشورا
- اصناف روزه داران
- احکام
- و یلحق بذلك الاعتكاف

تعريف و شرایط
کدرات
روزهای

مرد

تمامی شرایط و احکام بیان شده در مورد آن جاری میشود
زن حائضه که وضع جنین تریک است
الحائض المبرئة
و المرثمة الثقيلة اللبن
اکثر خوف ستر به
فرزند رود
حکم
بغضای و بغضایان
این فیه را هم باید خود زن بدهد هر چند که شوهر داشته باشد و فرزند هم از آن شوهر باشد
بعد از زوال عذر هم فضا بکند
قضا می کنند و ندیه واجب نیست
هر کسی که به علت خوف بر نفس روزه نگیرد این حکم را دارد
فرقی نمی کند که فرزند از نسب باشد یا رضاع
اگر به جای زنی که بولی انجام می دهد زن دیگر باشد که یا بجای انجام بدهد یا با پول کمتر و مساوی انجام می دهد بر زن واجب است که بچه را به آن زن دیگر واگذار نکند
ظاهر در مقام بیان زنی که شوهر می دهد که پول در می آید و بیاورد به خاطر فقر نیست

7

روزه صحیح به مجرد شروع واجب میشود
کسی که روزه مستحبی بکند می تواند روزه اش را بشکند چه قبل زوال و چه بعد زوال ولی بعد زوال گناهت دارد
و لا یجب صوم الثانیة بکسوفه فیه
مردی که در روز به رمضان همسر خود را مجبور بر نزدیکی کند
بیت و پنج تارانه جهت فعل خود و 25 تارانه دیگر بابت لفظ زین
علاوه بر کفاره و تعزیر خود باید متحمل کفاره و تعزیر همسر نیز بشود
و چون تعزیر در اینجا به بیست و پنج تارانه معین شده لاجرم بیست و پنج تارانه باید بخورد
اگر زن پیشه‌دار مرد عینی بر انجام عمل نزدیکی را پذیرفت و هیچ گناهی در بین نباشد تعزیر و کفاره بر زن واجب است
اجرم صدوقین و نیز شیخ علیه الرحمه در کتاب نهایی فرموده‌اند
پس بچه زمبور را در نه سالگی بر گرفتن روزه تعزیر دهند

زن

حکم گناه روزه و مطاوعت او
و یتحمل عن الزوجة المتفرجة
و التزیر بخشنة و عشرين سوفا
و لا یؤاخذت علیها
تعمیر کودک برای روزه
و یرتقن الصبی استنج و قال ایما یابویه و الشیخ فی التهایة: تسع
نظر شهید اول و ثانی
در هفت سالگی او را به عبادت تعزیر دهد و بعد از آن شدت به خرج بدهد
جماعتی از فقها
قبول از هفت سالگی تعزیر داده شود و بعد از هفت سالگی شدت به خرج داده شود
نظر ایما یابویه و شیخ طوسی
در نه سالگی تعزیر دهد
در هفت سالگی تعزیر دهد و در نه سالگی شدت به خرج دهد
نظر شهید ثانی
حتی قسمتی از روز را که می تواند هم تعزیر داده شود و مکبر بین نیت واجب و مستحب است و اولی نیت مستحب است
اگر بعد از طلوع فجر به سن بلوغ برسد - آن روز روزه او صحیح نیست

کودک

قدم السنایز
مسافر وقتی به وطن برگردد
یا فصد اقامت 10 روز کند
حتی به ورود به شهر نیست
صدای اذان
دیوار شهر
تعلق دهم؟
شکله یکی از این موارد کافی است و روزه بر او واجب است
صرف دانستن اینکه قبل از ظهر به مکان می‌رسد کافی نیست. باید نیت روزه را قبل از ظهر بکند

و لو

اگر مرخص میشی از زوال خوب شد
اگر تا این زمان مغفوری بر مرکب شده باشد و نیت روزه نمایند
در مورد غرض و صائر با شرایط روزه صحیح است
خلاف طفل که بعد از طلوع صبح بالغ گردد
(صبی و مجنون بلوغ و عقل شرط صحت است)
چرا صبی بعد طلوع فجر اگر به بلوغ برسد روزه آن روز بر او واجب نیست
اشکال حکم صبی باید مثل حکم مسافر باشد زیرا تا قبل از طلوع فجر شرط صحت را نداشته است، همان طور که مسافر نیز در حین سفر شرط صحت را ندارد پس چرا حکم مسافر واجب روزه است ولی برای صبی بالغ واجب نیست؟
کفار که پس از تحقق فجر صادق مسلمان شود
شود و حائض و نفساء و دیوانه و بیهوشی که پس از صبح غفلتشان برطرف شده و نیت روزه نمایند

سالم

زود رسیدن مسافر و زود تمام شدن مرخصی
اجزای صوم
تفصیل
و التکلیف
و التامین
و التفساء
و التجهون
و التعمی علیه
کفار که پس از تحقق فجر صادق مسلمان شود
زود شرط است که عذر این چند گروه قبل از صبح برطرف شده باشد
اگر با علم به مسئله روزهاش را بگیرد واجب است بعد از آن به عنوان قضاء اعاده نماید
باید قضایش را بگیرد
شاید اول به خاطر عذر خود بود
حکم را میداند - فراموش کرده - سستیاً روزه گرفته - گرفته از نظر فساد روزه به عاقد ملحق می‌باشد
به دلیل فوت شدن وقت روزه
هر ناسی ای مقصر نیست
به دلیل دفع حکم نسیان ناسی عاقد نیست
ولی اگر جاهل به مسئله باشد روزهاش صحیح بوده - اعاده ندارد
الینه برخی فقها بین این دو فرق گذاشته‌اند که شهید ثانی ضعیف می‌داند
مراد از بعضی اصحاب شیخ طوسی است که گفته که کسی که سفر می‌کند برای صید برای تجارت، روزه اش شکسته است ولی نمازش کامل است

سالم

مقدمه
کسی که مسافر است و باید روزهاش را بخورد
علاماً اعاد
باید قضایش را بگیرد
شاید اول به خاطر عذر خود بود
حکم را میداند - فراموش کرده - سستیاً روزه گرفته - گرفته از نظر فساد روزه به عاقد ملحق می‌باشد
به دلیل فوت شدن وقت روزه
هر ناسی ای مقصر نیست
به دلیل دفع حکم نسیان ناسی عاقد نیست
ولی اگر جاهل به مسئله باشد روزهاش صحیح بوده - اعاده ندارد
الینه برخی فقها بین این دو فرق گذاشته‌اند که شهید ثانی ضعیف می‌داند
مراد از بعضی اصحاب شیخ طوسی است که گفته که کسی که سفر می‌کند برای صید برای تجارت، روزه اش شکسته است ولی نمازش کامل است

سالم

فرق نماز و روزه صائر
هر جا که نماز شکسته باشد روزه هم شکسته می‌شود مگر در یک جا
و کلتها فترت الصلاة فطر الصوم ایاة
و بشرطه فی الصوم الخروج قبل الزوال
فرق نماز و روزه صائر
هر جا که نماز شکسته باشد روزه هم شکسته می‌شود مگر در یک جا
و کلتها فترت الصلاة فطر الصوم ایاة
و بشرطه فی الصوم الخروج قبل الزوال
اگر به نیت عبادت باشد: عبادت نیست
هر کسی که به خاطر عذری روزه نمی‌گیرد اگر در اثناء روز عذرش برطرف شود
اگر به نیت عبادت باشد: عبادت نیست
هر کسی که به خاطر عذری روزه نمی‌گیرد اگر در اثناء روز عذرش برطرف شود

سالم

سفر
تو سائر السنایز
و التامی یلحق بالعماد
شهید ثانی: اعاده ندارد
هر ناسی ای مقصر نیست
به دلیل دفع حکم نسیان ناسی عاقد نیست
ولی اگر جاهل به مسئله باشد روزهاش صحیح بوده - اعاده ندارد
الینه برخی فقها بین این دو فرق گذاشته‌اند که شهید ثانی ضعیف می‌داند
مراد از بعضی اصحاب شیخ طوسی است که گفته که کسی که سفر می‌کند برای صید برای تجارت، روزه اش شکسته است ولی نمازش کامل است

سالم

محبوس
و المحبوس یتوخی علی نطفه
کسی که در مکانی محبوس بوده مکلف ماستی را که ظن دارد ماع صام می‌باشد
رمضان حساب کند و روزه بگیرد
کسی که در مکانی محبوس بوده مکلف ماستی را که ظن دارد ماع صام می‌باشد
رمضان حساب کند و روزه بگیرد

سالم

مسن
مراض
میت
9
احکام
و یلحق بذاک الاضغاث

کتاب الصوم

اصناف روزه داران

کتاب الصوم

- تعریف و شرایط
- کفارات
- روزهای

- سالم
 - آزاد
 - زنی
 - مرد
 - کودک
 - غیر آزاد
 - مسافر
 - مجبوس

بیرمرد و بی‌زنی که از گرفتن روزه و فضای آن ناتوان هستند

حکم **فَدَيَا بِشَدِّ وَ لَا فِضَاءَ**

باید عوض هر روز که افطار می‌کنند یک مثلاً طعام به فقیر بدهند و فضاء از ایشان ساقط است

دو قید اضافه توسط شهید ثانی

اگر روزه نمی‌توانست بگیرد اما قضا می‌توانست بگیرد؛ فرضش هم این است که ماه رمضان در تاستان باشد ولی در زمستان بتواند بگیرد

باید قضا بگیرد

شهادت اول در دروس چنین چیزی نگفته بلکه گفته علی‌الشیخ و الا شیخه اذا امکنهما القضا و الا فالقصدیه لا غیر

دروس می‌گوید که هم فدیة بدهد و هم قضا

اگر بی‌زنی و بی‌مردی در حالت عجز بود و نتوانست ولی بعد از مدتی این عجز برطرف شد

باید روزه بگیرد

کسی که قدرت بر روزه گرفتن ندارد

السَّخَّانُ إِذَا عَجَزَا

مسن ۶

اگر اصلاً نمی‌تواند روزه بگیرد نه قضا بر او واجب است و نه فدیة

تکلیف است اینجا تکلیفی را قائل نیستند

ظاهراً ایشان با ادله اینکه قدرت شرط

نظر شهید ثانی

اگر قادر باشند روزه بگیرند همراه با مشقت شدیدۀ ای که عادتاً قابل تحمل نیست باید فدیة بدهند؛ اگر بعد قادر بر قضا شد (مثلاً در زمستان) واجب است قضا بگیرد

فدیة به خاطر افطار کردن واجب شده؛ اگر بعد قدرت پیدا کرد قضا نیز واجب می‌شود؛ اصل هم بقاء فدیة است به علت امکان جمع هر دو

منظور از اصل

منظور از اصل استحباب است؛ قبلاً فدیة واجب بود الان شک می‌کند که فدیة واجب است یا نه استحباب می‌کند و جوش را

از ادله به دست می‌آید که فدیة بدل از قضا نیست؛ چطور با اینکه قضا واجب شده است فدیة هنوز سر جای خودش هست

ظن به ضرر - روزه نباید بگیرد

ظن به عدم ضرر - وجوب صوم

شک به ضرر - منحل بحث

حکم مکلف

مریض باید از ظن و گمان خود بی‌حیثیت کرده و به آن عمل کند

وَ الْمَرِيضُ يُبَيِّحُ ظَنَّهُ فَلَوْ تَكَلَّفَهُ مَعَ ظَنِّ الْعُسْرِ قَسِي

اگر روزه گرفت، روزهای فاسد بوده و بعداً باید فضای آنرا بجا آورد.

لذا در صورتیکه ظن دارد گرفتن روزه برای وی ضرر دارد و علی‌القاعده نباید بان مبادرت ورزد

روزه مریش

حرمیت را اطلاق به عموم افراد دارد. اما در روایات ما استثناء کردند و گفتند: ربا پدر به فرزند اشکالی ندارد

مثلاً «احل الله البيع و حرم ربا»

ایا عام مخصّص در بقیه افراد حجت است یا نه؟

مشابه این قاعده اصولی را در اینجا داریم

دلیل عام - روزه بر شما واجب شده است. (کتاب علیکم الصیام)

دلیل خاص - المریض لا یجب علیه الصوم

مورد صوم - تردید نسبت به ضرر صوم

قاعده اصولی می‌گوید اینجا چه تردید داشته باشد چه نداشته باشد، روزه واجب است

روزه در این حالت (ظن به ضرر) باطل است و قضا دارد

چون نهی از عبادت مقضی فساد است. زیرا «ما یكون منهیا لا یكون مقرباً»

از باب رخصت یعنی از باب نفضل - یعنی من به تو اجازه میدهم که به زحمت نیفتی. اما اگر کسی هم خواست، میتواند روزه بگیرد

از باب عزیمت - تصمیم نهایی شده است که نباید روزه گرفت و اصلاحی روزه نداری

روزه چنین فردی (جایی که فرد ظن به ضرر روزه دارد) صحیح نیست از باب عزیمت است

در اینجا هم که میگوییم و این عزیمت هم از ظهور نهی فهمیده میشود

وقتی گفته میشود که اگر احتمال ضرر هم میدهند نباید روزه بگیرد، معنایش این است که من (مولاً) راضی نیستم روزه بگیری

اگر مایوس از خوب شدن نباشد

اگر بعد از ماه رمضان سال بعد خوب شود - فقط قضا بر او واجب است و فدیة بر او نیست

اگر بعد از ماه رمضان سال بعد خوب شود - فدیة هم باید بدهد؟

در این حالت آیا نظر سید مرتضی و شهید در لعمه در فرض تغییر مینا نسبت به دروس فدیة واجب نیست

حکمتش همچون بیرمرد و بی‌زنی می‌باشد و هرچه در آن دو گفتیم در حق وی نیز جاری است

اگر مایوس از خوب شدن نباشد - حکم **کَذَلِك**

اگر اصلاً نمی‌تواند روزه بگیرد نه قضا بر او واجب است و نه فدیة

اگر قادر باشند روزه بگیرند همراه با مشقت شدیدۀ ای که عادتاً قابل تحمل نیست باید فدیة بدهند؛ اگر بعد قادر بر قضا شد (مثلاً خوب شد) واجب است قضا بگیرد

نظر شهید ثانی

دقیقاً مثل شیخان است

حکم **قَسِي**

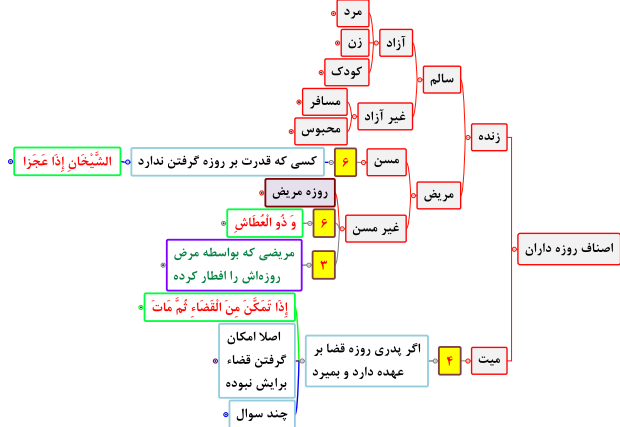
مریضی که بواسطه مرض روزهای را افطار کرده

میت ۷

احکام

و یُلْحَقُ بِذَٰلِكَ الْأَعْيَابُ

تعریف و شرایط
کفارات
روزهای



و تَسْتَجِبُ الْمَتَابِعَةُ فِي الْقَضَاءِ - مستحب است روزه‌های قضا را پشت سر هم بگیرند

و رُوایةُ عُمَارَ بْنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَتَضَمَّنُ اسْتِحْبَابَ التَّفْرِيقِ - ولی در روایت عمار از امام صادق علیه السلام آمده که تفریق در قضا مستحب می‌باشد

روزهای واجبی که در عهده می‌باشند در تمام موارد واجب است - پشت سر هم بجای آورده شوند

النَّذْرُ الْمَطْلُوقُ وَ مَا فِي مَعْنَاهُ - نذر مطلق و آنچه بواسطه مشابه نذر همچون قسم واجب شده باشد

در نذر مطلق تنایع شرط نیست مگر - هر چیزی که باعث شود مثل آن نذر مطلق در یک سال و حالا فقط به اندازه همان نذرش از سال باقی مانده باشد

و قَضَاءُ الْوَأْجِبِ - قضا روزه واجب - حتی اگر در اصل روزه تنایع شرط باشد - شهید ثانی: این قول قوی‌ای است ولی در کتاب دروس قائل به این شده که اگر در اصل تنایع هست در قضا هم تنایع واجب است

و قَضَاءُ الْوَأْجِبِ - قضا روزه واجب - اگر در صید خرگوش شکار باید گوسفند کفاره بدهد اگر نتوانست به قیمت گوسفند گندم بدهد و اگر نتوانست ده روز روزه بگیرد

و جزاء الصيد - کفاره صید - اگر شتر مرغ شکار بکند باید شتر ماده که ۵ سالش گذشته باشد کفاره بدهد اگر نتوانست به قیمتی گندم اگر نتوانست ۶۰ روز روزه؛ تنایع روزه در این ۶۰ روز واجب نیست

و السَّيِّئَةُ فِي بَدَلِ الْهَدْيِ - هفت روز روزه در بدل قربانی - هفت روز روزه ای که بدل از عدم قربانی در حج هست

یک سه روز و یک هفت روز بر او واجب می‌شود که سه روز را باید متتابع بگیرد ولی هفت روز را می‌گویند که تنایع لازم نیست

اگر مکلف به داشتن عذر در بین ایام یک روز یا بیشتر را افطار کند - بعد از برطرف شدن عذر ادامه روزه را می‌گیریم هر وقت بلاعذر باشد باید از اول بگیری

لازم است بعد از برطرف شدن عذر بنا به آنچه انجام داده و بقیه تکلیف را بجای آورد و اگر بدون عذر رعایت تنایع را نکرده و به آن اخلال وارد نماید - باید روزه‌ها را از سر بگیرد

حکم: **لَعْنَةُ بَنِي وَ لَا لَهُ يَسْتَأْنِفُ** - لعن شدنی است بر هر کس که در ماه مبارک رمضان از روی علم و عمد روزه‌اش را افطار کند لازم است تعزیر شود

اگر روزه سه روز باشد و تنایع شرط باشد اگر حتی با عذر به آن اخلال وارد شد باید از اول گرفته شود

شهرین المتتابعین بعد شهر و يوم من التثانی - در موردی که تکلیف دو ماه متوالی روزه باشد که اگر یک ماه و یک روز را پشت سر هم بگیرند نسبت به باقی وجوب توالی ساقط است

و فی الشهر بعد خمسة عشر يوماً - در جایی که تکلیف یک ماه روزه باشد که اگر پانزده روزه را پشت سر هم بگیرند در پانزده روز باقی وجوب توالی ساقط می‌باشد

و فی ثلاثة المتتعة بعد يومین ثالثهما العید - در سه روز بدل قربانی که اگر دو روز آن را متوالی بگیرند و روز سومش یا عید مصادف شود ضروری به وی وارد نمی‌آید یعنی پس از عید یک روز دیگر را باید بگیرد بدون اینکه توالی بهم خورده باشد

يَجِبُ تَتَابِعُ الصُّومِ - **إِلَّا آرْبَعَةً** - **و جزاء الصيد** - کفاره صید

و السَّيِّئَةُ فِي بَدَلِ الْهَدْيِ - هفت روز روزه در بدل قربانی

در مواردی که متابعت واجب است - اگر مکلف به داشتن عذر در بین ایام یک روز یا بیشتر را افطار کند

لازم است بعد از برطرف شدن عذر بنا به آنچه انجام داده و بقیه تکلیف را بجای آورد و اگر بدون عذر رعایت تنایع را نکرده و به آن اخلال وارد نماید - باید روزه‌ها را از سر بگیرد

حکم: **لَعْنَةُ بَنِي وَ لَا لَهُ يَسْتَأْنِفُ** - لعن شدنی است بر هر کس که در ماه مبارک رمضان از روی علم و عمد روزه‌ها را از سر بگیرد

اگر روزه سه روز باشد و تنایع شرط باشد اگر حتی با عذر به آن اخلال وارد شد باید از اول گرفته شود

شهرین المتتابعین بعد شهر و يوم من التثانی - در موردی که تکلیف دو ماه متوالی روزه باشد که اگر یک ماه و یک روز را پشت سر هم بگیرند نسبت به باقی وجوب توالی ساقط است

و فی الشهر بعد خمسة عشر يوماً - در جایی که تکلیف یک ماه روزه باشد که اگر پانزده روزه را پشت سر هم بگیرند در پانزده روز باقی وجوب توالی ساقط می‌باشد

و فی ثلاثة المتتعة بعد يومین ثالثهما العید - در سه روز بدل قربانی که اگر دو روز آن را متوالی بگیرند و روز سومش یا عید مصادف شود ضروری به وی وارد نمی‌آید یعنی پس از عید یک روز دیگر را باید بگیرد بدون اینکه توالی بهم خورده باشد

يَعُزُّ مَنْ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عَامِدًا عَالِمًا - حکم: **فَإِنْ عَادَ عَزَّرَ** - حکم: **فَإِنْ عَادَ قِيلَ**

کسی که در ماه مبارک رمضان از روی علم و عمد روزه‌اش را افطار کند لازم است تعزیر شود

اگر تعزیر شد و پس از آن برای بار دوم عمداً و از روی علم افطار نمود باز او را تعزیر می‌کنند

مورد مجاز در زمانی است که اگر افطار کند غرق می‌شود یا نمی‌تواند کسی که دارد غرق می‌شود را نجات بدهد یا برای تقیه قبل از غروب که نزد اهل سنت موقع افطار است یا برای تقیه اول و آخر رمضان را اگر اهل سنت اعلام عید یا ماه مبارک نبودن کردند

در موارد مجاز هم باید به اندازه ضرورت اکتفا بکند و بیشتر نخورد که اگر بخورد مثل عمد است

اگر برای بار سوم افطار کرد وی را می‌کشند

ولی اگر در افطار کردن معذور باشد این حکم درباره‌اش جاری نمی‌شود

اگر شخصی افطار کننده، افطار را حلال و مباح بداند

و لَوْ كَانَ مُسْتَجِبًا - اگر شخصی افطار کننده، افطار را حلال و مباح بداند

اگر برای بار سوم افطار کرد وی را می‌کشند

و لِحَقِّ بَدَلِكِ الْأَشْكَافِ - و بلیغی بدلیک اشکاف

این تفاوت بین مرتد ها در جای است که مرد باشد ولی زن را چه مرتد ملی باشد چه فطری نمی‌کشند بلکه زندانی اش می‌کنند و در اوقات نماز او را می‌زند تا یا توبه کند یا به همین وضع باشد تا بمیرد

در همان مرتبه اول وی را به قتل می‌رسانند مشروط به اینکه بر فطرت اسلامی متولد شده باشد و اگر ولادتش بر غیر فطرت اسلامی باشد او را توبه می‌دهند

در زمانی که به شبهه دچار شده باشد در اعتقادات و یا در بلاد کفر زندگی می‌کند و احکام را نمی‌داند که در ماه رمضان روزه بگیرد یا جدید الاسلام است این حدود در مورد او اجرا نمی‌شود

در صورتی که اقرار کند مرتد فطری = انکار ضرورت دین قتل آن کان ولد علی الفطرة مرتد ملی و استتیب آن کان عن غیرها